

اجرای علنی مجازات: توجیهاات و تبعات

جلیل امیدی^۱، حسینعلی عطف^{۲*}

۱. دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران

۲. دانشجوی دوره دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۱۲ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۳/۱۰)

چکیده

نحوه اجرای مجازات از مسائل مهم و چالش‌برانگیز حقوق کیفری است. بازدارندگی به‌عنوان یکی از اهداف اساسی اجرای مجازات بعضی از مجریان عدالت کیفری را بر آن داشته است تا چنین هدفی را از راه اجرای علنی مجازات دنبال کنند. در فقه جزایی اسلام و به تبع آن در نظام حقوقی ایران هم، چنین تمایلی جود دارد. برای توجیه فقهی این تمایل، به قرآن و سنت استناد شده است. به نظر می‌رسد آیات و روایات مورد استناد، دلالتی بر وجوب یا حتی استحباب فراخوان عمومی برای تماشای تحمیل درد و رنج مجازات به محکومان ندارند. مقصود از آنچه در بعضی از آیات در خصوص حضور چند نفر محدود هنگام اجرای حد آمده است، تأکید بر حتمیت اجرای حد، بعد از اثبات دارد. روایات وارده درباره آثار مثبت اقامه حد نیز دلالت مستقیم یا حتی غیرمستقیمی بر اجرای علنی به معنای دعوت از عموم برای مشاهده چگونگی اجرای مجازات ندارند. اجرای علنی مجازات به شیوه امروزی، با اصل اولی و شرعی اجرای غیرعلنی مجازات و قواعد مهمی مثل وجوب حفظ حیثیت افراد، ممنوعیت مجازات مضاعف، حرمت تنفیر و حرمت وهن دین نیز ممکن است در تعارض باشد. از سویی دیگر پژوهش‌های انجام‌گرفته در برخی کشورها درباره مجازات اعدام و چگونگی اجرای آن - به‌عنوان شدیدترین مجازاتی که می‌تواند در ملأ عام انجام گیرد - بازدارندگی و سودمندی آن را به اثبات نرسانده است. به نظر می‌رسد عدم تلقی صحیح از سیاست‌های بازدارنده از سویی و رویکردهای مبتنی بر سزاگرایی، ابزارگرایی و عوام‌گرایی کیفری از سوی دیگر، مجریان عدالت کیفری را به سمت اجرای علنی مجازات‌ها در راستای تحقق اهداف سازمانی و نهادی سوق داده باشد.

کلیدواژگان

ابزارگرایی کیفری، اجرای علنی مجازات، بازدارندگی، حرمت تنفیر، عوام‌گرایی کیفری.

مقدمه

اجرای علنی مجازات بعد از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از مهم‌ترین موضوعات نظام عدالت کیفری بوده است، به‌صورتی که آثار آن خیلی زود در بخشنامه‌های قوه قضاییه و مقررات مربوط به اجرای مجازات قصاص، رجم، اعدام و شلاق نمایان شده و در طول سال‌های گذشته نحوه اجرای مجازات بحث‌های مختلف داخلی و بازتاب‌های بین‌المللی به‌همراه داشته است.

روند رو به افزایش اجرای علنی مجازات از اوایل سال ۱۳۶۰ آغاز شد که به‌کرات اعدام برخی از مجرمان جرایم مواد مخدر و همچنین مجازات‌هایی مانند شلاق در ملأعام اجرا شد (مدنی، ۱۳۹۰: ۲۳۳). علیرغم نبود نص قانونی و با وجود برخورد با قواعد مهمی چون وجوب حفظ حیثیت افراد، ممنوعیت مجازات مضاعف، حرمت تنفیر و حرمت وهن دین و با وصف تأثیر سوء اجرای علنی مجازات‌ها بر بستگان محکوم، موافقان اجرای علنی مجازات‌ها با استدلال به لزوم شدت برخورد با این جرایم و با استناد به استقبال مردم از این شیوه اجرا حمایت کرده‌اند.

آثار نامطلوب اجرای احکام محکومیت‌های جزایی در ملأعام سبب شد تا شورای عالی قضایی در سال ۱۳۶۵ طی بخشنامه شماره ۹/۶۵/ب/ش-۱۳۶۵/۳/۱ از مراجع قضایی کشور بخواهد که جز در موارد الزام قانونی، از صدور چنین احکامی خودداری کنند. دادسراها نیز در اجرای احکام در ملأعام به اجتماع حداقل افراد در محل دادسرا یا کلانتری یا زندان و محل‌هایی نظیر آن اکتفا کنند و از اجرای احکام به ابتکار شخصی در صحن یا مقابل دبیرستان‌ها یا اماکنی مانند آن، مؤکداً خودداری ورزند و بر رعایت این مقررات از سوی ضابطان و مأموران اجرا نیز مراقبت دقیق کنند.

در سال ۱۳۶۶ نیز به‌واسطه حساسیت پرونده‌های منجر به اعدام، شورای عالی قضایی در بخشنامه شماره ۲۹/۶۶/ب/ش-۱۳۶۶/۹/۱۴ به دادگاه‌ها و دادسراهای انقلاب اسلامی و دادگاه‌های عالی انقلاب اسلامی مقرر کرد که پرونده‌های منتهی به صدور قصاص، اعدام، صلب، رجم و مصادره و استرداد و ضبط برای بررسی و تأیید نهایی به شورای عالی قضایی ارسال شود.

در همین زمینه در سال ۱۳۶۷ اداره حقوقی دادگستری در نظریه شماره ۷/۶۲۴۱-۱۳۶۷/۱۱/۱۹ با تأکید بر لزوم تصریح قانونگذار به اجرای علنی مجازات اشعار داشت: «در تعزیرات، دادگاه تنها وقتی می‌تواند حکم به اجرای شلاق در ملأعام بدهد که قانون چنین اجازه‌ای را صریحاً داده باشد زیرا زدن شلاق یک مجازات است و اجرای آن در ملأعام که مستلزم هتک حیثیت مضروب می‌شود، مجازات دیگری است که بدون وجود قانون جایز نیست» (باختر، ۱۳۸۷: ۱۳۲).

به‌علت گستردگی جرایم مواد مخدر و اجرای مجازات علنی آنها با وجود عدم نص قابل استناد، در سال ۱۳۶۷ در قانون مبارزه با جرایم مواد مخدر در مواد ۶ و ۹، اجرای علنی مجازات پیش‌بینی

و به دنبال آن در مواد ۹ و ۱۱ مصوبه سال ۱۳۷۶ نیز بار دیگر اجرای علنی مجازات توصیه شد. به موجب این مواد چنانچه در مرتبه چهارم مجموع مواد مخدر در اثر تکرار به سی گرم برسد یا اقدام به قاچاق مواد مخدر به طور مسلحانه صورت گیرد، مرتکب به اعدام محکوم شده و در صورت مصلحت در محل زندگی و در ملأعام مجازات اجرا می‌شود. برخی پژوهش‌های انجام گرفته در خصوص میزان اعدام‌های علنی جرایم مواد مخدر بین سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۸، حاکی از آن است که ۱۸ درصد آنها در ملأعام صورت پذیرفته است. در حالی که میزان وقوع جرایم در این سال‌ها رو به افزایش بوده است (اکبری، ۱۳۷۹: ۳۰۰).

در سال ۱۳۶۹، رئیس وقت قوه قضاییه طی بخشنامه شماره م/۱۸۱-۱/۲۰-۱۳۶۹/۱۱/۲۱ به کلیه واحدهای قضایی سراسر کشور مقرر می‌دارد: «نظر به اینکه اجرای بعضی از احکام مراجع قضایی، ممکن است به مقتضای زمان و مکان، دارای عوارض و بازتاب وسیع سیاسی و اجتماعی در جامعه باشد، لذا ایجاب می‌نماید برای پیشگیری از هر نوع تبعات سوء و به منظور اجرای صحیح قانون در موارد فوق، مسئولین مربوط، مراتب را به رئیس قوه قضاییه گزارش نمایند تا در کیفیت اجرا، هماهنگی لازم معمول گردد». مفاد این بخشنامه در سال ۱۳۷۱ در بخشنامه دیگری به شماره م/۱۱۸۶۰۵-۱/۲۵-۱۳۷۱/۱۰/۲۵ به مراجع قضایی سراسر کشور مجدداً مورد تأکید قرار گرفت.

خبر، چاپ و نشر عکس از مراسم اجرای احکام نیز از دیگر چالش‌های دستگاه قضایی بوده است؛ برای نمونه در سال ۱۳۷۰ معاون اجرایی رئیس وقت قوه قضاییه به موجب بخشنامه شماره م/۱۳۷۰/۱۲/۱۲-۱/۲۲۱۸۵ به کلیه دادستان‌های عمومی، انقلاب و نظامی سراسر کشور مقرر داشت: «حسب دستور ریاست محترم قوه قضاییه، مقتضی است در هر مورد که حکم اعدام، قصاص نفس، صلب و یا رجم محکومین به اجرا درمی‌آید، قبل از درج هر گونه خبر و چاپ و نشر عکس از مراسم اجرای حکم، با دفتر ایشان هماهنگی لازم معمول و از اقدام مستقیم در این خصوص خودداری شود».

اجرای احکام کیفری حدود بازتاب‌های بین‌المللی نیز داشته است. در بخشنامه شماره ۱/۷۷/۲۸۱۴ مورخ ۱۳۷۷/۳/۲۷ رئیس قوه قضاییه به کلیه واحدهای قضایی سراسر کشور عنوان شده به دنبال گزارش سفارت جمهوری اسلامی ایران در توکیو که حاکی از سوء برداشت و تبلیغات مغرضانه رسانه‌های گروهی خارجی از مراسم اجرای احکام رجم، صلب و به طور کلی اجرای حدود الهی بوده است، به منظور خنثی کردن این تبلیغات و حفظ مصالح عالی نظام، اولاً پرونده‌های مذکور به منظور اعلام بلامانع بودن به دبیرخانه قوه قضاییه ارسال و ثانیاً رؤسای حوزه‌های قضایی و قضات محترم اجرای احکام با حسن تدبیر در انتخاب شیوه مناسب در خصوص اجرای این گونه آرا ترتیبی اتخاذ فرمایند که مایه سوءاستفاده معاندین و ضد انقلاب نشود. بخشنامه مذکور پس از سه سال و نیم و با تغییر ریاست قوه قضاییه، به موجب بخشنامه شماره ۱۳۸۰/۱۱/۲۳-۱/۸۰/۲۲۳۴۵

به مراجع قضایی عمومی، انقلاب و نظامی با بیان عدم ضرورت فرستادن پرونده‌های محکومان به حد به قوه قضاییه و لزوم تسریع در اجرای احکام قطعی حدود و تأثیر آن در ایجاد امنیت قضایی با تغییر رویه روبه‌رو شده و مقرر شد که دیگر نیازی به ارسال پرونده به دبیرخانه قوه قضاییه و تحصیل اذن در اجرا نیست و ارسال گزارش از طریق دورنگار کفایت می‌کند، مگر در موارد نادر و استثنایی که به لحاظ اهمیت یا عوارض جانبی یا ملی بودن پرونده، اجرای حکم مستلزم تکلیف و هماهنگی قبلی باشد.

ادامه این روند به ابلاغ آیین‌نامه نحوه اجرای مجازات‌های بدنی و سلب حیات با عنوان «آیین‌نامه نحوه اجرای احکام قصاص، رجم، قتل، صلب، اعدام و شلاق» در سال ۱۳۸۹ منجر شد که در اجرای ماده ۲۹۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸^۱ به تصویب رئیس قوه قضاییه رسید. رسیدگی به درخواست عفو از سوی محکوم قبل از اجرای مجازات اعدام، قتل، رجم، صلب یا قطع عضو، ضرورت تشخیص حضور تماشاچی برای اجرای مجازات، وظایف مقام قضایی مجری حکم در نظارت بر صحت اجرا و رعایت تشریفات لازم و عدم تأخیر و تعطیل آن، فیلم‌برداری و عکس‌برداری و انتشار خبر اجرای حکم، نحوه اجرای مجازات رجم و تعداد حاضران و نحوه اجرای مجازات موضوع آیین‌نامه از جمله مسائل مهم مطرح در آن است.

آنچه در این میان همواره محل تأمل بوده، مبانی، ضوابط، ضرورت، اهداف و آثار اجرای علنی مجازات به خصوص اجرای علنی مجازات سالب حیات بوده است. بی‌شک در اجرای احکام کیفری حدود، موضوع اجازه اجرای حدود در زمان غیبت و دیگر مبانی فقهی مانند قاعده حرمت تنفیر و حرمت وهن دین نیز مورد توجه است. هرچند گاهی مباحث غیرعلمی و بعضاً سیاسی بر این موضوع سایه افکنده و در سال‌های اخیر اجرای علنی مجازات سالب حیات همراه با سایه‌ای از اهداف و انگیزه‌های نهادی و سازمانی (قضایی و پلیسی) در راستای تحکیم عملکرد و اثبات قاطعیت در مقابله با جرایم و اجرای مجازات و ادعای بازدارندگی خاص و عام آنها رو به فزونی گذاشته است، لیکن بر خلاف رویه برخی کشورهای دیگر، تحقیق علمی و جامعی در خصوص تحقق این اهداف

۱. ماده ۲۹۳: «قبل از اجرای حکم اعدام یا قصاص نفس یا رجم یا صلب مراسم مذهبی توسط اشخاصی که صلاحیت دارند نسبت به محکوم علیه انجام می‌گیرد و هنگام اجرای حکم اعدام باید رئیس دادگاه صادرکننده حکم یا نماینده او، رئیس نیروی انتظامی محل یا نماینده وی، رئیس زندان، پزشک قانونی یا پزشک معتمد محل و منشی دادگاه حاضر باشند. وکیل محکوم علیه نیز می‌تواند حضور یابد. پس از حاضر کردن محکوم علیه در محل، رئیس دادگاه یا نماینده او دستور اجرای حکم را صادر و منشی دادگاه حکم را با صدای رسا قرائت می‌نماید، سپس حکم اجراء و صورت مجلس تنظیمی به امضای حاضران می‌رسد. تبصره - آیین‌نامه اجرایی این ماده و همچنین چگونگی اجرای حکم شلاق ظرف مدت سه ماه توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضاییه خواهد رسید.»

صورت نگرفته و به نظر می‌رسد ادعاهای مسئولان قضایی و پلیسی نیز در خصوص اثرگذاری خاص اجرای علنی مجازات بر کاهش یا توقف جرایم به‌طور کلی یا در بازه زمانی مشخص، مستند به دلایل و مدارک علمی و معتبر نیست. هر چند به نظر می‌رسد این روند در سال‌های اخیر به سمت نوعی اعتدال و واقع‌بینی سوق یافته است؛ به‌گونه‌ای که در سال ۱۳۹۲ با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری، اجرای علنی مجازات ممنوع اعلام شد. در این مقاله ضمن بررسی مبانی اجرای علنی مجازات - با تأکید بر حد زنا-، به بحث در مورد قوانین داخلی و طرح برخی مطالعات تطبیقی ناظر به اهداف اجرای علنی مجازات‌ها می‌پردازیم.

موجبات فقهی اجرای علنی مجازات

فقه‌های اسلامی با استناد به کتاب و سنت، بعضی قائل به وجوب و برخی قائل به استحباب اجرای علنی حدود شده‌اند. مستند هر دو گروه آیه دوم از سوره نور و روایات وارده در خصوص آثار مثبت اجرای حد است.^۱

نص آیه مورد استناد چنین است: «الرَّائِيَةُ وَالرَّائِيَةُ فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةً وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيْشِهْدُ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ». محل بحث نحوه تحلیل و تفسیر قسمت آخر آیه «وَلَيْشِهْدُ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» است و اینکه آیا عبارت مذکور دلالتی بر اجرای علنی مجازات دارد یا خیر؟

در تفسیر عبارت مذکور دو کلمه «طائفه» و «مؤمنین» اهمیت خاصی دارند؛ اینکه کلمه طایفه بر چند نفر قابل اطلاق است، بحثی اختلافی است. عده‌ای اطلاق آن را بر فرد واحد صحیح می‌دانند و بر این اساس در اجرای حد در خصوص موضوع آیه، قائل به حضور حداقل یک نفرند. این گروه برای مدعای خود به دلایل لغوی، روایی، عرفی و اصل برائت ذمه از زائد به‌هنگام شک تمسک کرده‌اند. این قول را محقق حلی، فاضل مقداد، و آیت‌الله خویی از امامیه پذیرفته‌اند (محقق حلی، ۱۳۱۸: ۲۱۰؛ فاضل مقداد، ۱۳۷۳، ج ۲: ۳۴۲؛ خویی، ۱۴۲۲: ۱۴۲۱).

عده‌ای دیگر از فقها همچون علامه حلی از باب احتیاط مراد از طایفه را دو نفر دانسته و در مقام استدلال، به آیه ۱۲۲ سوره توبه استناد کرده‌اند. این آیه که به آیه «نُفِرَ» شهرت دارد، می‌فرماید: «... فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا

۱. «قامه حد خیر من مطر اربعین صباحاً» یا «لاقامه الحد فی الارض انفع فی الارض من المطر اربعین صباحاً» «و حد یتقام لله فی الارض افضل من مطر اربعین صباحاً». (حر عاملی، ج ۱۸: ۳۰۸؛ شیخ طوسی، ج ۱۰: ۱۴۶؛ شیخ کلینی، ج ۷: ۱۷۴ و ۱۲۴).

إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ». کلمه فرقه در این آیه اسم جمع است و حداقل بر سه نفر دلالت دارد و طایفه که از آن استثنا شده، دلالت بر دو و یا یک نفر دارد؛ لکن از باب احتیاط، حمل بر دو نفر شده است (محقق حلی، ۱۳۱۸، (ب) ۱۴۱۸، ج ۹: ۱۷۰).

برخی دیگر از جمله ابن‌ادریس در سرائر و امام خمینی در تحریرالوسیله حضور حداقل سه نفر را لازم دانسته‌اند؛ دلایل این گروه نیز قول لغویین در اسم جمع بودن طائفه و ارجاع آن به آیه «نَفَرٌ» در قرآن کریم است (ابن‌ادریس، ۱۴۱۱، ج ۳: ۴۳۳؛ خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۴۴۳). برخی مفسران و فقهای اهل سنت از جمله زمخشری، بیضاوی، شافعی و مالک با استناد به معنای لغوی و حکمت حکم آیه مورد بحث، یعنی لزوم تشهیر مرتکب، حضور دست‌کم چهار نفر را لازم دانسته‌اند. از نظر آنان حکمت حکم با کمتر از عدد مذکور حاصل نمی‌شود. بعضی از آنان این نکته را هم اضافه کرده‌اند که همان‌گونه که جرم زنا توسط چهار نفر شاهد، اثبات می‌شود، حضور چهار نفر هنگام اجرای حد نیز لازم است (زمخشری، ۱۴۰۸، ج ۳: ۲۱۰؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۷: ۳۲۶؛ ابن‌فراء، ۱۴۱۸، ج ۷: ۳۲۶)؛ برخی فقهای امامیه با همین منطقی و از باب احتیاط و یقین به تحقق مدلول طائفه، حضور حداقل ده نفر را لازم دانسته‌اند (شیخ طوسی، ۱۴۱۶، ج ۵: ۳۷۴).

از مجموع اقوال فقها و مفسران و ادله مورد استناد آنان، چنین برداشت می‌شود که صرف نظر از مدلول لغوی کلمه طائفه، منظور آیه از اجرای مجازات به‌نحو مذکور، حضور عده‌ای انگشت‌شمار از «مؤمنان» جهت شهادت و نظارت بر قطعیت و حتمیت اجرای حد و به‌تبع آن آگاهی عمومی از اجرای احکام جزایی و تا حدودی تحمیل رنج روانی آن بر مرتکب بوده است و نه لزوماً فراخوان و مشاهده عمومی صحنه اجرای مجازات. در کنار این، برخی از فقهای امامی و مالکی تصریح کرده‌اند که یکی از اهداف حضور عده‌ای متقی و وارسته به‌هنگام اجرای حد، دعا و طلب آمرزش برای مجرم است (فاضل هندی، ۱۴۰۵، ج ۲: ۴۰۱؛ مالکی، ۱۳۹۸، ج ۲: ۴۲۴)؛ این نکته علاوه‌بر اینکه توجه فقها به بُعد انسانی نظام کیفری اسلام را نشان می‌دهد، در مواردی که مجازات مورد نظر، سلب حیات نباشد، می‌تواند زمینه تحقق یکی از اهداف مجازات یعنی اصلاح و تربیت مجرم را نیز فراهم سازد (توفرستی، ۱۳۸۳: ۴۰)؛ آنچه این نظر را تأیید می‌کند، استعمال کلمه «مؤمنین» به‌عنوان وصف طایفه، در آیه مورد بحث است. مؤمن در قرآن کریم و روایات دارای اوصاف و ویژگی‌های والایی است که برخی از مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: خشیت در برابر پروردگار، شهادت‌طلبی، خشوع در نماز، تدبیر در آیات الهی، کریمانه از لغو گذشتن، توحید خالصانه و شب زنده‌داری، حلم و بردباری، تواضع و فروتنی، مقام یقین، مقام تسلیم، دوری از بدگمانی، غیبت، بدگویی و تجسس، پاکدامنی، دوری از گفتار

کارهای بیهوده، هجرت و جهاد، انتخاب دوستان الهی، امر به معروف و نهی از منکر، پرداخت زکات، دوری از ربا، امانت‌داری^۱؛ بدیهی است که این صفات بیانگر درجات عالی ایمان است. در جایی که قرآن کریم، هنگام اجرای حد دعوت به حضور طائفه‌ای از مؤمنان با صفات عالی فوق می‌کند، این ادعا و برداشت که هدف شارع، بازداشتن این گروه، از ارتکاب چنین جرایمی است، خلاف منطق و برداشت عقل سلیم است. با تأمل در آیه و توجه به مطلق احادیث ناظر به اجرای حدود باید گفت هدف این حضور، تضمین قطعیت اجرای این نوع مجازات با شهادت عده‌ای معدود از مؤمنان بوده است. به عبارت دیگر، با وجود همه سخت‌گیری‌ها در اثبات جرایم حدی، از آنجا که اجرای آنها بعد از اثبات، حتمی است، حضور عده‌ای از مؤمنان برای نظارت و شهادت بر اجرای حد واجب یا مستحب شمرده شده است.

برخی مفسران، قید مؤمن را احترازی تلقی کرده و معتقدند علت اینکه ناظران باید مؤمن باشند این است که اگر غیر مؤمنان شاهد اجرای حد باشند، چه بسا مانع گرویدن آنان به اسلام شود (فاضل مقداد، ۱۳۷۳، ج ۲: ۲۱۸)؛ این مبنا در واقع همان قاعده حرمت وهن دین یا حرمت تنفیر از دین است که مورد اجماع عملی فقهاست و در محل ایجاد تزاحم میان احکام اولیه شرعی و مصالح عالیة اسلام و مسلمانان استفاده می‌شود. به موجب قاعده حرمت تنفیر، انجام هر عملی که موجب بی‌زاری و نفرت از دین شود، حرام است. حتی اگر عمل به یک حکم الزام شرعی هم موجب گریزان شدن مردم از دین شود، می‌توان و بلکه باید از عمل به آن خودداری کرد؛ جز در مورد احکامی که شارع مقدس در هیچ حال راضی به ترک آنها نیست. مفاد قاعده حرمت تنفیر از دین با آنچه گاه در کلمات فقیهان وهن دین یا وهن اسلام نامیده می‌شود، نزدیک و گاهی این دو به یک معنا استعمال می‌شوند؛ التزام به مفاد قاعده به شرحی که گذشت، هرگز به معنای پیروی دین از عرف و عادت‌های رایج اجتماعی و سلاقی بشری نیست. آموزه‌های دینی خواه از نوع معارف اعتقادی باشند یا احکام عملی، اعتبار و حقانیت وحیانی دارند. آنها با قطع نظر از رد و قبول مردم، دارای ارزش و اعتبارند. تبیین «دامنه» اجرای قاعده حرمت تنفیر از دین و در واقع روشن ساختن آن دسته از احکام که در فرض تزاحم با تنفیر، حکم اولی خود را از دست می‌دهند، چه بسا از اصل خود قاعده، دقیق‌تر و حساس‌تر است. کثرت نقل‌ها درباره لزوم پرهیز از تنفیر از دین در منابع حدیثی شیعه و سنی به قدری است که بسیاری از فقیهان اهل سنت و

۱. خصوصیات مذکور به ترتیب در آیات زیر از قرآن کریم مورد اشاره قرار گرفته است: انفال: ۲؛ بقره: ۱۵۴؛ مؤمنون: ۲؛ فرقان: ۷۳؛ مؤمنون: ۳؛ فرقان: ۶۴؛ فرقان: ۶۳؛ بقره: ۴؛ بقره: ۱۲۸؛ حجرات: ۱۲؛ مؤمنون: ۵؛ مؤمنون: ۳؛ توبه: ۲۰؛ آل عمران: ۲۸؛ آل عمران: ۱۳۰؛ مؤمنون: ۴؛ آل عمران: ۱۳۰؛ مؤمنون: ۸.

شمار قازیدبیل توجهی از فقیهان امامیه از جمله سید مرتضی، فاضل مقداد و محقق اردبیلی در مباحث فقهی بدان استناد کرده‌اند. اگرچه برخی از این نقل‌ها در خصوص نماز است، بسیاری از آنها مطلق و متضمن نوعی عموم است (نوبهار، ۱۳۸۴: ۱۵۲).

به نظر می‌رسد همین ملاک می‌تواند در خصوص شرکت‌کنندگان مسلمان در صحنه اجرای احکام کیفری نیز محقق باشد. عدم درک صحیح احکام اسلامی و سستی عقیده و ایمان حاضران ممکن است اثری کاملاً معکوس بر آنان بگذارد و نه تنها موجب بازدارندگی و عبرت نگردد، بلکه به عکس موجبات بدبینی به آموزه‌های دینی را فراهم آورد یا سبب تألمات روحی گردد. از این رو می‌توان گفت که صرف مسلمان بودن، مجوز شرعی حضور در لحظه اجرای مجازات حدی نیست و دلیل شرعی قطعی و قابل دفاعی برای لزوم یا رجحان اجرای مجازات در ملأعام و دعوت از عموم مردم به‌عنوان تماشاگر هرچند با هدف ارباب و پیشگیری عمومی، وجود ندارد. آیه شریفه «وَلْيُشْهِدُوا عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» و روایات مربوط به این باب، نه تنها دلالت صریحی بر اجرای مجازات در ملأعام ندارند، بلکه از توجه به دو قید «طائفه» و «مؤمنین» در آیه شریفه و عبارتی مانند «... فمن كان لله عليه مثل ما له عليها فلا يقيم عليها الحد»^۱ قبل از اجرای حد علنی توسط حضرت علی (ع) (حرّ عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸: ۵۳) و همچنین احادیثی که حاکی از واکنش منفی حضرت علی (ع) نسبت به حضور جمعیت فراوان (همان: ۱۰۰) و همچنین حضور افراد لابلالی و بی‌مایه است و تعبیر فقها نسبت به اینکه مؤمنان حاضر به‌هنگام اجرای حد، باید افرادی برگزیده و عادل باشند، نشان از عدم جواز اجرای مجازات در ملأعام به روش امروزی دارد (نوفرستی، ۱۳۸۳: ۴۳). به‌عبارت دیگر اگرچه گاه اجرای علنی مجازات در دوران پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) مصداق خارجی داشته است، تحذیرها و محدودیت‌ها و شرایط خاصی که از نظر زمانی و مکانی و به‌خصوص ویژگی‌های حاضران در روایات نقل شده است همگی حاکی از وجود حدود و خطوط شایان توجهی است که در اجرای علنی مجازات به‌صورت دقیق باید مورد بررسی و تدقیق قرار گیرد و متناسب با اوضاع و احوال داخلی و خارجی هر حکومت اسلامی مورد توجه باشد.

از سوی دیگر اگرچه صحنه مجازات، برای تنبیه و تنبه مجرم و جامعه است، نمی‌تواند مجوز و دلیلی بر شادی یا موجبات ابراز انزجار یا توهین و فحاشی به وی باشد؛ در بسیاری از صحنه‌های اجرای علنی مجازات‌هایی که به‌خصوص با پوشش رسانه‌ای همراه بوده است، مشاهده شده که گاه

۱. به موجب این روایت که در رجمنی در دوران حکومت حضرت علی (ع) نقل شده حضرت قبل از اجرای حد رو به جمعیت حاضر فرمودند: هر کس حدی مثل حد این زن بر اوست حق اجرای حد ندارد؛ با بیان این شرط، کل جمعیت از اجرای حد منصرف شدند و حد توسط خود ایشان و حسنین علیهماالسلام اجرا شد.

تشویق و شادی، بی‌نظمی، هجوم، شعارها و توهین‌های تماشاگران صحنه اجرای مجازات مراسم را تحت الشعاع خود قرار داده و موجب واکنش شدید مأموران امنیتی شده است؛ این رویه و آثار نامطلوب آن نمی‌تواند منطبق بر مذاق شریعت باشد.

از سوی دیگر طرح این سؤال که آیا از نظر شرعی اصل اولی در اجرای مجازات علنی بودن است یا خیر، اهمیت بسزایی دارد. هر گاه بتوانیم ظهور و انصراف اولیه را در مسئله‌ای تعیین کنیم، در واقع اصل اولی را در آن مسئله ثابت کرده‌ایم؛ به عبارت دیگر، پاسخ به این پرسش که اجرای حکم مجازات به حالت آشکار و علنی انصراف دارد یا به حالت پنهان، می‌تواند نقش بسزایی در تشخیص حکم داشته باشد.

آنچه از آیه اجرای علنی حد زنا و همچنین برخی روایات استفاده می‌شود، ظهور اولیه در حکم، اجرای غیرعلنی است؛ هرچند در منابع شرعی مواردی وجود دارد که مجازات مجرم به صورت آشکار و در ملاءعام اجرا شده است، اما موارد یادشده نمی‌تواند حاکی از تأسیس اصل و قاعده در مسئله باشد و حتی در مورد جرم زنا آیه «وَأَلَيْسَ هَذَا غَذَابَهُمَا طَائِفَةً مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» که به‌طور خاص و با لحاظ شرایط مذکور، بر اجرای آشکار آن دلالت دارد، نمی‌تواند قاعده اولیه را به اجرای آشکار حد زنا انصراف دهد، بلکه آیه مذکور می‌تواند دلالتی بر اصالت اجرای غیرعلنی مجازات باشد، زیرا اگر مجازات آشکار، براساس قاعده و اصل اولی می‌بود، لزومی نداشت که دستور آن در این آیه ذکر شود. چون احکامی که براساس قاعده‌اند، احتیاج به بیان ندارند. از این رو تقریر آن در این آیه چنین می‌نماید که اجرای آشکار حدود در ابتدا مورد فهم مخاطبان نبوده است. به همین سبب مقرر شده است که در اجرای حد زنا، باید طایفه‌ای از مؤمنان حاضر و ناظر باشند و این دلالت اولیه، نشان از آن دارد که بازدارندگی عمومی در اجرای علنی مجازات زنا مقصود شارع نبوده است (ابوالحسنی، ۱۳۸۰: ۵۶).

به‌ویژه در حدود که در این دسته از جرایم همان‌گونه که از نظر «کمی» نمی‌توان از حد مقرر و معین شده عدول کرد، همچنین از نظر «کیفی» نمی‌توان بدون تصریح شارع، عدول کرد و از آنجا که دلیل خاصی مبنی بر علنی بودن مجازات نداریم، به نظر می‌رسد که قاعده اولیه در آن، اجرای مخفیانه باشد، هرچند در شرع مقدس اسلام مواردی وجود دارد که مجازات مجرم به صورت آشکار و در ملاءعام اجرا می‌شده است؛ در جرایم غیرحدی نیز قواعد مهم و شایان توجهی همچون قاعده «قبح عقاب بلا بیان» و «منع تحمیل مجازات مضاعف» از دیگر قواعدی هستند که به استناد آنها می‌توان اصل اولی عدم جواز اجرای علنی مجازات را حجت دانست. از آنجا که اجرای علنی مجازات نوعی تصرف در حیثیت محکوم‌علیه و ولایت بر اوست و ممکن است موجب تحمیل مجازات مضاعف بر وی و حتی خانواده و بستگان وی شود، از این رو می‌توان گفت در این خصوص اصل منع حاکم بوده و در فرض شک اکتفا به قدر متیقن لازم و واجب خواهد بود، چراکه اصل، عدم ولایت بر دیگری است و از این رو اجرای علنی مجازات جواز و اباحه‌ای نخواهد داشت.

در قوانین و مقررات داخلی نیز اصل اجرای غیرعلنی مجازات، ظهور و بروز دارد. نوع برداشت از مقررات قانونی ناظر بر نحوه اجرای علنی مجازات، بسیار به تفسیری که در بالا از آیات و روایات مستند اجرای علنی حدود به عمل آمد، نزدیک است. برای نمونه، بند «ط» ماده ۷ «آیین‌نامه نحوه اجرای احکام قصاص، رجم، قتل، صلب، اعدام و شلاق»، در مقام بیان کسانی که باید هنگام اجرای مجازات حاضر باشند، تنها به شهودی که قانوناً باید در لحظه ارتکاب جرم حضور داشته باشند، اشاره کرده است و حضور «تماشاچی» یا «طبقات خاصی» در صحنه مجازات را با عنوان «مصلحت» بیان می‌کند. همچنین ماده ۲۱ این آیین‌نامه، که در مقام بیان نحوه اجرای حد رجم است، مقرر داشته: «قبل از اجرای حد (رجم)، مرجع مجری حکم، در صورت تشخیص قاضی صادرکننده حکم، مردم را از زمان اجرای حد آگاه می‌سازد و در هر حال لازم است حداقل سه نفر از مؤمنین در زمان اجرای حد حضور داشته باشند». همان‌گونه که مشخص است حد رجم اصولاً با حضور مردم برای انجام عمل رجم انجام می‌گیرد، درحالی‌که نحوه تقریر این ماده در بیان لزوم «تشخیص قاضی صادرکننده حکم»، «حضور تعداد محدودی از مؤمنین»، نشان از آن دارد که از نظر تدوین‌کنندگان آیین‌نامه، مسئله‌ی مهم تأیید اجرای حد بوده است و نه لزوماً عبرت‌آموزی، بازدارندگی و پیشگیری عمومی از طریق مشاهده تحمیل مجازات به محکوم‌علیه. بنابراین می‌توان گفت در دو مقررۀ مذکور نیز اصل اولی در اجرای مجازات، اجرای غیرعلنی آن بوده و اجرای علنی را مشروط و به تشخیص و اختیار قاضی قرار داده است. ماده ۲۰ همین آیین‌نامه نیز به موضوع آگاه ساختن عموم از اجرا و قطعیت اجرای مجازات پرداخته مقرر می‌دارد: «... در موارد استثنایی که به تشخیص رئیس قوه قضاییه یا مقامات مجاز از طرف ایشان مصلحت ایجاب کند، عکس محکوم در حال اجرای حکم توسط رسانه‌های گروهی برای اطلاع عموم انتشار می‌یابد»؛ در این ماده حتی انتشار عکس اجرای مجازات توسط رسانه‌های گروهی را با قیودی مانند «استثنایی»، «تشخیص رئیس قوه قضاییه یا مقام مجاز» و «مصلحت» بیان می‌دارد که همگی نشان از اصل غیرعلنی بودن مجازات و مشروط بودن اجرای علنی آنهاست. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ (که مؤخرترین قانون در این خصوص است) نیز در ماده ۴۹۹ به صراحت اجرای علنی مجازات را ممنوع اعلام کرده و اصل غیرعلنی بودن مجازات را تثبیت کرده است.

۲. اجرای علنی مجازات در قوانین داخلی

مراد از علن در حقوق کیفری، مکانی است که مستعد حضور مردم عادی بوده و مانعی برای حضور عموم در آن وجود نداشته باشد. این اصطلاح در برخی از مقررات قانونی ناظر به امور کیفری مطرح

شده است. برای مثال قانون اساسی در اصول ۱۶۵ و ۱۶۸ و قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲) در ماده ۳۵۲ از علنی بودن محاکمات صحبت کرده‌اند. تبصره ماده اخیرالذکر، معیار تحقق علن را «عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی» بیان کرده است؛ با تعریف و معیاری که این ماده از علن ارائه می‌کند، می‌توان گفت که اجرای علنی مجازات باید به صورتی باشد که مانعی برای حضور افراد در صحنه اجرای مجازات وجود نداشته باشد. با این تلقی، تفاوت دقیقی بین اعلام قبلی اجرای مجازات علن یا دعوت مردم برای دیدن صحنه اجرای مجازات و «نبود مانع برای حضور در صحنه اجرای مجازات» وجود دارد. دعوت به حضور در صحنه اجرا یا اعلان قبلی برای حضور اشخاص به نوعی تبلیغ و اعلام عمومی برای حضور در صحنه است. این نوع اطلاع‌رسانی از اجرای علنی به نحوی ارجحیت جنبه‌های نمایشی اجرای مجازات را با هدف قاطعیت برخورد با جرایم را به ذهن متبادر می‌کند^۲، در حالی که به نظر می‌رسد منظور از علن در اجرای مجازات و نبود مانع برای حضور در صحنه اجرای مجازات، اعلان قبلی یا دعوت مردم به دیدن صحنه اجرای مجازات نیست.

نکته‌ای که بیشتر می‌تواند این موضوع را روشن سازد، دقت در معنی دو واژه «علن» و «ملاءعام» است. برخی محققان با وجود ترادف ظاهری این دو لغت به تفاوت دقیقی از آن را بدین صورت اشاره کرده‌اند که لغت «علن» به معنای ظاهر و آشکار کردن امری در محل خاصی بدون اینکه ممانعتی برای حضور افراد در آن محل ایجاد شود و «ملاءعام» به معنای محل آمدوشد مردم از جمله میدان، کوچه و بازار و مراکز شهر است (نوفستی، ۱۳۸۳: ۴۶). با این توصیف می‌توان گفت که اجرای حدود علنی سیره نبوی و حضرت علی (ع) نیز از لحاظ مکانی با وضعیت کنونی تفاوت دقیقی دارد، بدین صورت که محل اجرای حدود علنی در صحنه خیابان و بازار نبوده بلکه مکانی مشخص از شهر بوده در حالی که اجرای کنونی علنی مجازات در مکان‌های عمومی شهر همچون

۱. موضوع ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری سابق (مصوب ۱۳۷۸) و تبصره ۱ آن نیز محاکمات علنی و تعریف آن بود.

۲. برای نمونه به این متن دعوت همگانی که به صورت اطلاعیه با ابعاد قابل رؤیت همگانی در محل اجرای مجازات سه تن از متجاوزان به عنف در کرج نصب شده بوده است، دقت کنید: «بسم الله القاسم الجبارین؛ مردم شریف و متدین کرج؛ با تأییدات خداوند قادر و قاهر و بنا به حکم قضات شجاع و انقلابی دستگاه قضایی، حکم اعدام درباره ۳ تن از جرثومه‌های فساد و ناامنی که اقدامات جنایت‌آمیز و شرارت‌گونه عدیده‌ای منجمله تجاوز به عنف، آدم‌ربایی و سرقت در کارنامه خود دارند در ساعت ۵ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۴/۴/۸ در بلوار شهید بهشتی، ضلع شمالی تقاطع ۴۵ متری گلشهر، بدست با کفایت و توانمند مأمورین انتظامی به مرحله اجرا در خواهد آمد.»

چهارراه ها و میادین یا مراکز تجمع مردم به صورتی است که تجمع در محل می‌تواند به صورت تصادفی، رهگذری و با هر نوع سن و جنسی از تماشاگران باشد.

در این معنا، دیگر نمی‌توان اجرای علنی مجازات را به معنای فراخوان عمومی یا دعوت از مردم برای حضور در صحنه اجرای حکم و تماشای چگونگی تحمیل مجازات به محکومان دانست. بر این اساس اجرای علنی مجازات منطقیاً باید به معنای اجرای آشکار حکم کیفری در محلی باشد که مانعی برای حضور افراد در آن وجود ندارد؛ در اجرای مجازات نیازی به اعلان عمومی برای حضور بی‌قیدوشرط تماشاگران یا بردن مراسم اجرای مجازات به مکان‌های معدّ برای حضور عامه شهروندان بدون در نظر گرفتن ظرفیت‌های روحی و روانی یا شاخص‌هایی همچون سن و جنس، به‌خصوص حضور اطفال و کودکان وجود ندارد؛ در چنین حالتی اثر اصلی اجرای مجازات که جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم یا گناه است، نه تنها تأمین نشده، بلکه ممکن است موجبات تجری برخی ناظران و شاهدان مستعد ارتکاب جرم را هم فراهم آورد. قانونگذار در ماده ۳۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، حضور افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی به عنوان تماشاگر در محاکمات کیفری را جز به تشخیص دادگاه ممنوع اعلام کرده و این در حالی است که حضور در صحنه اجرای مجازات و خصوصاً نظاره لحظات جان دادن مجرم به‌مراتب سنگین‌تر و شدیدتر حضور در محکمه است؛ هرچند مقنن در این خصوص منعی قرار نداده است، اصل اولویت و عقل حکم می‌کند در شرایط اجرای علنی نیز این ممنوعیت و محدودیت باید توسط مجریان حکم اعمال شود.

نحوه اجرای علنی مجازات در مقررات کیفری به صورت محدود مطرح شده است. با وجود سکوت قانونگذار پس از انقلاب بر لزوم اجرای علنی مجازات، مباحث مختلف فقهی و کارشناسی در دهه‌های بعد، در این زمینه^۱ - به‌خصوص اثربخشی و کارایی مجازات در ارباب و بازدارندگی عمومی

۱. برای نمونه نظریات قضایی زیر قابل ذکر است: سؤال: آیا در اجرای حد شرعی شرب خمر، اجرای شلاق در ملأعام مجوز شرعی و قانونی دارد یا خیر؟ **نظر اکثریت:** با توجه به اینکه اولاً: در مورد اجرای حدود در ملأعام مانعی وجود ندارد و قانون ممنوعیتی را در این باب عنوان ننموده است؛ ثانیاً: شلاق حدی و اجرای آن بایستی دارای آثار تریبی باشد؛ ثالثاً: چگونگی اجرای حدود، به نظر حاکم بستگی دارد، فلذا قاضی می‌تواند در مورد شلاق در اجرای حد شرب خمر دستور اجرای آن را در ملأعام صادر نماید. **نظر اقلیت:** به عنایت به ماده ۳۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری، اجرای حدود شرعی برابر مقررات مندرج در قانون مجازات اسلامی خواهد بود؛ بنابراین در هر جا قانون صریحاً اجازه شلاق در ملأعام را نداده باشد حاکم مجوز صدور حکم در این خصوص را نخواهد داشت؛ در نتیجه در اجرای حد شرب خمر امکان اجرای شلاق در ملأعام وجود ندارد. **نظر کمیسیون:** طبق ماده ۲۹۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، محل و اجرای حکم شلاق به تشخیص دادگاه با رعایت موازین شرعی و حفظ نظم عمومی و سایر مقررات مربوط در حکم تعیین می‌شود. النهایه دادگاه باید نسبت به

و همچنین بازتاب‌های داخلی و بین‌المللی اجرای علنی مجازات - موجب شد تا بالاخره مقنن در سال ۱۳۹۲ در قانون آیین دادرسی کیفری به صراحت اجرای علنی مجازات را ممنوع اعلام کند؛ به موجب ماده ۴۹۹ این قانون (مندرج در قسمت کلیات بخش اجرای احکام کیفری و اقدامات تأمینی و تربیتی): «اجرای علنی مجازات ممنوع است، مگر در موارد الزام قانونی یا در صورتی که به لحاظ آثار و تبعات اجتماعی بزه ارتكابی، نحوه ارتكاب جرم و سوابق مرتکب و بیم تجری او یا دیگران، دادگاه خود یا به پیشنهاد دادستان اجرای علنی مجازات را ضروری تشخیص دهد و اجرای علنی مجازات را در رأی تصریح کند». همان‌طور که ملاحظه می‌شود قانونگذار در این ماده اصل و استثنای را پایه‌گذاری کرده است؛ اصل عدم اجرای مجازات به‌طور علنی و استثنای موكول به تشخیص دادگاه یا دادستان. عدول از اصل و تجویز استثنا به‌طور کلی باید متضمن حکمتی باشد. در این مورد خاص احتمالاً رعایت ملاحظات فقهی و موارد ضرورت اقناع افکار عمومی و پاسخ به احساسات برانگیخته مردم، مقنن را به عدول از اصل و تجویز مشروط اجرای مجازات به‌صورت علنی سوق داده است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت قانونگذار در تقریر ماده مذکور به‌نحوه بدنبال نزدیک شدن به مقصود شارع و اصل اولیه در نحوه اجرای مجازات و لحاظ شرایط اوضاع و احوال وقوع جرم و میزان تأثیر آن در جامعه بوده است. از مقررات مهم در اجرای علنی مجازات، آیین‌نامه «نحوه اجرای احکام قصاص، رجم، قتل، صلب، اعدام و شلاق» مصوب سال ۱۳۷۸ است که در ایجاد محدودیت و رعایت اصل غیرعلنی مجازات شروط محدودکننده‌ای را برای اجرای علنی برقرار کرده است که اهم آنها در بررسی فقهی مقاله بررسی شد.

بازتاب رسانه‌ای اجرای علنی مجازات

نحوه انعکاس اجرای علنی مجازات و به‌خصوص حواشی اجرای مجازات و انعکاس گسترده آن در سال‌های اخیر در رسانه‌ها، واکنش‌های متعددی را نیز در سال‌های اخیر در پی داشته است؛ حواشی‌ای مانند اجرای مجازات سلب حیات در زمین ورزشگاه که موجب واکنش مقامات رسمی ورزشی بین‌المللی شد^۱؛ لبخندهای محکومان به مرگ در لحظه اعدام یا گریه‌ها و التماس‌های آنها

اجرای حکم شلاق در ملأعام احتیاط کند. زیرا حفظ حیثیت افراد (هرچند محکوم باشند) و خانواده آنان اقتضا می‌نماید که حتی‌الامکان از انتشار موضوع در جامعه خودداری شود مگر آنکه بنا به جهاتی از جمله کیفیت عمل مرتکب و تظاهری که در این امر داشته به منظور تنبه او و جلوگیری از تجری دیگران، اجرای حکم در ملأعام ضروری تشخیص داده شود (باختر، ۱۳۸۷: ۱۸۷).

۱. پایگاه خبری ۵۹۸، «فیفا در خصوص اعدام در ورزشگاه توضیح خواست» به نشانی:

<http://www.598.ir/fa/news/126914>

برای درخواست عفو و بخشش و عدم رضایت اولیای دم در صحنه اعدام و در پیش چشم ناظران مجازات، سن محکوم، مکان اجرای حکم، فحاشی، هجوم و بی‌نظمی تماشاگران، عدم امکان کنترل تماشاگران، حضور اطفال در کنار والدین در لحظه اجرای مجازات، تهیه گزارش‌های خبری و تصویری متعدد از صحنه‌های اعدام، اعدام با ماشین‌آلاتی مانند جرثقیل، تعداد بی‌حد و بدون کنترل تماشاگر و تشویق و شادمانی تماشاگران حین جان دادن یک مجرم، همگی نشان از عدم توجه به مقصود مقنن و مبانی تجویز اجرای مجازات به صورت علنی است. برای مثال در پرونده قتل روح‌الله داداشی (قهرمان مسابقات قوی‌ترین مردان ایران) گزارش رسانه‌های عمومی از صحنه اجرای مجازات اعدام بدین شرح بود: «با آمدن قاتل (زیر بیست سال)، حدود ۱۵ هزار جمعیت حاضر شروع به فریاد زدن کردند. عده‌ای به وی فحاشی کرده و عده‌ای سوت و کف می‌زدند که با هدایت برگزارکنندگان مراسم، فریادهای الله‌اکبر در فضا طنین‌انداز شد. وی در زمان رفتن به روی چهارپایه دو بار پایش لغزید و با صدای بلند گریه می‌کرد. علی‌رضا مدام اسامی ائمه اطهار (ع) به‌ویژه امام حسین (ع) و امام رضا (ع) را فریاد می‌زد و طلب بخشش می‌کرد. وی حتی نام برخی از نزدیکانش از جمله مادر خود را فریاد زده و از اولیای دم طلب عفو داشت که البته صدایش در مهمه حاضران گم بود. جمعیت حاضر در این مراسم در مورد اجرای حکم قصاص قاتل نظرات متفاوتی داشتند. عده‌ای از آنها خواستار اعدام و عده‌ای دیگر خواستار بخشیدن قاتل بودند...»^۱ یا حواشی اعدام علنی قاتل پرونده معروف به قتل میدان کاج، که بدین نحو در رسانه‌ها واکنش داشت: «در ساعت ۶:۱۰ دقیقه در میان هماهنگی‌های انجام‌شده میان مسئولان اجرای حکم اعم از مسئولان پلیس و همچنین نمایندگان دادستانی عده‌ای معدودی که مشخص بود وابسته به گروه‌های مخالف نظام هستند به هواخواهی از قاتل فریاد رضایت رضایت سر دادند که این فریادها بی‌نتیجه ماند. قاتل به محض باز شدن در خودروی حمل‌کننده وی داد و فریاد زیادی کرد که نشان از ترس وی داشت درحالی‌که در دادگاه این فرد بسیار خونسرد حاضر شده بود. در لحظه‌ای که بالای جرثقیل هدایت شد تا طناب دار به دور گردن وی آویخته شود روی زانوهای خود نشسته و از شدت ترس و وحشت توان ایستادن نداشت و از ایستادن امتناع می‌کرد. تنها لحظاتی پس از اجرای حکم قصاص و به دار آویخته شدن مجرم، عده زیادی از شهروندان تهرانی که در محل اجرای حکم حاضر شده بودند فریاد نیروی انتظامی تشکر تشکر و قوه قضاییه تشکر تشکر سر دادند...»^۲؛ حتی

۱. خبرگزاری فارس، حاشیه‌های قصاص قاتل روح‌الله داداشی، به نشانی:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13900630000043>

۲. سایت خبری تابناک، حاشیه‌های قصاص قاتل پرونده میدان کاج، به نشانی:

<https://www.tabnak.ir/fa/news/140526>

در برخی از صحنه‌های مجازات اعدام، برخی تماشاگران به حمایت از مجرمی که در حال اعدام بوده است، شروع به دادن شعار و اغتشاش کرده‌اند که وضعیت، با چند شلیک هوایی توسط نیروی انتظامی به حالت عادی بازگشته است.^۱

در موارد مذکور به‌وضوح نشانه‌های سزاگرایی^۲، ابزارگرایی^۳ و عوام‌گرایی کیفری^۴ به چشم می‌خورد. عدم تلقی صحیح از سیاست‌های بازدارنده - که از جمله اهداف اجرای مجازات علنی اسلامی نیز نبوده است - موجب شده این هدف مهم به بروز نشانه‌های سیاست‌های سزاگرایانه کیفری منجر شود. سزاگرایی به‌عنوان یکی از باسابقه‌ترین اندیشه‌های بشری در حوزه عدالت کیفری و با ویژگی‌هایی چون پایبندی به اصول اخلاقی، توجه به جرم ارتكابی به جای توجه به مجرم، باور به قبح ذاتی جرم و حسن ذاتی کیفر، برابری یا تناسب جرم و مجازات و بی‌اعتباری به آثار و پیامدهای مجازات، از یک سو، نظارت بر مجرم، گروه‌های بزهکار، افراد در معرض ارتكاب جرم یا منحرف و کنترل آنان را فوق‌العاده تشدید و فنی می‌کند و از سوی دیگر اقدام‌های بازپروری مجرم، اقدام‌های پیشگیرانه از جرم و حمایت منطقی از بزه‌دیده را نفی می‌کند؛ از طرف دیگر آنچه می‌تواند بین دستیابی به اهداف مجازات اسلامی و هدف‌های سازمانی و نهادی اجرای مجازات و سوق به سیاست سزاگرایی را نمایان کند، مفاهیمی همچون ابزارگرایی کیفری یا عوام‌گرایی است. ابزارگرایی کیفری (که با رویکردهای سزاگرایانه زمینه‌های مشترکی دارد) استفاده از مقولات کیفری به‌عنوان در دسترس‌ترین ابزار برای دستیابی به هر هدف و مصلحتی، به‌منظور حل یا تسکین سریع و آسان یک مسئله، بدون در نظر گرفتن اصول مسلم حقوقی و اخلاقی است. به‌عبارت دیگر، از کیفر نه به‌عنوان آخرین راهکار بلکه به‌عنوان نخستین یا دست‌کم «در دسترس‌ترین» ابزار استفاده می‌شود. در مواردی که توسل به ابزار کیفری «آخرین راهکار» نباشد، استفاده زودتر از موعد از آن با جمع شرایط، نوعی ابزارگرایی کیفری خواهد بود. در این رویکرد توسل به مجازات با عنایت به هدف و فایده‌ای که احتمالاً از توسل به آن عاید می‌شود توجیه می‌شود. از آنجا که ابزارگرایی از اقسام عمل‌گرایی^۵ یا همان مصلحت‌سنجی است، با این استدلال که «مصلحت اقتضا می‌کند» و نیز اینکه توسل به مقولات کیفری احتمالاً در عمل، نتیجه‌بخش است، توسل به کیفر توجیه می‌شود. آنچه در این رویکرد مهم است، این است که به‌جای حل ریشه‌ای و بنیادین مسئله، به‌دنبال حل مقطعی، سریع و آسان آن

۱. حواشی اعدام متجاوزان به عنف در کرج، روزنامه جام‌جم، ۸ مردادماه ۱۳۹۴.

2. retribution
3. penal instrumentalism
4. penal populism
5. pragmatism

مسئله باشیم. روشی که در واقع امر در بهترین حالت، نوعی «تسکین» به حساب می‌آید نه «راه‌حل» مسئله به معنای دقیق خود (حبیب‌زاده، رحمانیان، ۱۳۹۳: ۶۴).

در این مقام حرکت نهاد عدالت کیفری به سیاست‌های عوام‌گرایانه نیز نزدیک می‌شود؛ رویکردی که براساس آن، مقامات سیاست جنایی با تمرکز بر جلب افکار عمومی، سیاست‌ها و برنامه‌هایی را که فاقد مبنای علمی و کارشناسی‌اند، تدوین و اجرا می‌کنند (فرجیها و مقدسی، ۱۳۹۰: ۱۱۶). در عوام‌گرایی یا عوام‌زدگی کیفری، صحبت از سیاست‌های کیفری است که به‌جای پیگیری اهداف و فلسفه کیفر و توجه به محدودیت‌ها و پیامدهای به‌کارگیری کیفر، به جلب افکار عمومی یا جهت‌دهی آن یا فریب دادن آن توجه دارند (رابرتز، استالانز، ایندرمار، هاف، ۱۳۹۲: ۲۷).

یکی از عوامل ظهور عوام‌گرایی کیفری افزایش بی‌اعتمادی به نظام عدالت کیفری در اجرای مجازات است. در کشورهایی که مردم به نظام عدالت کیفری و سیاست‌های آن اعتماد دارند، احتمال ظهور عوام‌گرایی کیفری اندک است. این در حالی است که طرفداران عوام‌گرایی کیفری عدم اجرای مجازات نسبت به مجرمان را از علل افزایش جرم و احساس ناامنی می‌دانند و یکی از عوامل اصلی ایجاد بازدارندگی و حاکمیت احساس امنیت را اجرای علنی مجازات می‌شمارند.

از این‌رو این رویکرد از اجرای علنی مجازات یا اعلام نام مجرمان حمایت می‌کند. برای مثال اعلام عمومی نام مجرمان و تسهیل به دسترسی مردم به مشخصات آنها آن‌گونه که در برخی کشورها در قالب قوانین آگاه‌سازی اجتماع نسبت به مجرمان جنسی پذیرفته شده (Simon, 2000: 111) و تلاش برای متمایز کردن مجرمان از طریق الزام آنها داشتن پوشش خاص در زمان حضور در اجتماع، آنچنان که در ناحیه شمالی استرالیا اجرا می‌شود (Pratt, 2000: 135) با این دیدگاه صورت گرفته است. در ایران نیز به‌نظر می‌رسد رویکرد اجرای علنی مجازات با شعار حفاظت از امنیت شهروندان، مقابله سخت با جرایم، رسیدگی سریع به پرونده‌ها و سخت‌گیری در اجرای مجازات صورت می‌گیرد. به‌عبارت دیگر، آنچه در اجرای علنی مجازات دنبال می‌شود، علنی کردن تحقق شعار برخورد قاطع، سریع و سخت با مجرم است. سیاستی که از سوی نهاد قضایی و پلیسی به‌عنوان مهم‌ترین سیاست راهبردی کیفری اعلام و به‌تبع آن قضات محاکم را در مصلحت‌سنجی اجرای علنی مجازات مجاب می‌کند.

آنچه در اتخاذ تدابیر شدت عمل کیفری باید مورد توجه سیاستگذاران عدالت کیفری باشد، آن است که گاهی این‌گونه تدابیر موجب ضد ارزش شدن سیاست‌ها و واکنش منفی نسبت به آن از سوی جامعه و کارشناسان می‌شود. مانند آنچه در برخی اقدامات مانند طرح مبارزه با اراذل و اوباش در ضرب و شتم علنی آنها هنگام دستگیری و در ملأعام اتفاق افتاد.

تشدید مجازات برخی از جرایم مانند مواد مخدر یا جرایم خشن، حاکمیت گفتمان سخت‌گیرانه، ارشاد قضات به تعیین مجازات اعدام نسبت به قاچاقچیان و مجرمان جرایم خشن و اجرای طرح‌های تبلیغاتی موقت و رسانه‌ای مقابله با متهمان و در نهایت اجرای علنی مجازات،

بیانگر تداوم حاکمیت عوام‌گرایی کیفری است. عملکرد سیاست‌های کیفری اتخاذ شده در برابر این جرایم نشان می‌دهد اولویت اصلی سیاست‌گذاران، سزادهی مرتکبان بوده است تا سیاست‌های پیشگیرانه و مهارکننده. در جرایم خشن نیز برخورد قاطع و مجازات سخت مرتکبان که اغلب آنها را جوانان زیر ۳۰ سال تشکیل می‌دهند، بر برنامه‌های پیشگیرانه ترجیح داشته و در بیشتر مواقع رسانه‌ای شدن جرایم، موجب اجرای علنی مجازات آنها شده است.

۴. مطالعات تطبیقی ناظر به نتایج اجرای علنی مجازات اعدام

یکی از سؤالات اساسی در بحث اجرای علنی مجازات، این است که آیا قدرت بازدارندگی مجازات، امکان ارتکاب جرم را کاهش می‌دهد یا خیر؟ آیا نحوه اجرای مجازات از نظر کنترل جرم سودمند است یا خیر؟ هر گونه اظهار نظر درباره بازدارندگی عام مجازات به‌طور کلی و تأثیر اجرای علنی آن به‌طور خاص، باید با لحاظ مسائل مهمی چون تناسب مجازات، استحقاق مجرم، شرایط ارتکاب جرم، رعایت موازین حقوق بشری، خطر محکومیت‌های اشتباه و به‌ویژه با تکیه بر تحقیقات آماری و تحلیل نتایج آنها، به‌عمل آید. از حیث بازدارندگی تنها در صورتی می‌توان اجرای علنی مجازات را توجیه‌پذیر دانست که ارتباط مشهود، منظم و قابل استنادی بین اجرای مجازات و میزان ارتکاب جرایم، وجود داشته باشد. بسیاری جرم‌شناسان معتقدند بازدارندگی نیازمند آن است که مجرمان بالقوه به محاسبه ارتکاب جرم و مقایسه مزایای آن با ضررهای جرم از جمله مجازات بپردازند؛ پیش‌نیازی که معمولاً مجرمان - به‌خصوص مجرمان حرفه‌ای - فاقد آنند (Acher, Bohm, 2003: 233)؛ به‌عبارت دیگر بازدارندگی تنها در صورتی می‌تواند مؤثر باشد که علیه بزه‌کارانی که در جریان اقداماتشان عواقب کیفری محتمل آن را بررسی می‌کنند، به اندازه کافی دارای قطعیت باشد. بنابراین در خصوص مجرمانی که به‌صورت حرفه‌ای به ارتکاب جرایم خشن مبادرت می‌کنند یا جرایمی که ریشه در مصرف مواد مخدر دارند، اثر بازدارندگی با تردید جدی مواجه است. این در حالی است که به ادعای مسئولان نهاد عدالت کیفری ایران، بیش از ۷۰ درصد جرایم کشور به‌نحوی با مواد مخدر در ارتباط است.^۱

عدم بررسی شواهد و مستندات تجربی این موضوع سبب شده است که کشورهای اعمال‌کننده مجازات مرگ در سطح گسترده، قدرت نمادین مجازات مرگ در پیشگیری از وقوع جرمی چون قتل را مطرح و اجرای علنی آن را همچون دارویی شفابخش برای پیشگیری و بازدارندگی از جرم

۱. خبرگزاری میزان، ۷۰ درصد جرایم، غیرمستقیم با مواد مخدر ارتباط دارند، به نشانی:

<http://www.mizanonline.ir/fa/news/22972>

تجویز کنند. در ایران تاکنون مدارک و مستندات متقن و قابل قبولی در تأیید ادعای بازدارندگی مجازات شدید همچون سلب حیان و تأثیر مثبت اجرای علنی آنها ارائه نشده است. به‌طور طبیعی هدف بازدارندگی و ارباب در مجازات مرگ خصوصاً در اجرای علنی آن باید در بالاترین درجه باشد؛ به‌عبارت دیگر اگر از اهداف مهم مجازات بازدارندگی و ارباب در نظر گرفته شود، مجازات اعدام آن هم به‌صورت علنی باید بیشترین میزان بازدارندگی را در پی داشته باشد و در نتیجه بتواند الگوی پایدار و ثابتی را در بازدارندگی ارائه کند؛ در خصوص مجازات مرگ، تحقیقات انجام‌گرفته طی ۷۰ سال گذشته در هر مقطع و برهه‌ای از زمان هیچ‌گاه به‌طور قاطع نشان نداده که مجازات مورد اشاره در مقایسه با حبس‌های طولانی‌مدت قدرت بازدارندگی بیشتری در برابر ارتکاب قتل داشته است (Acher, Bohm, 1998: 157). برای سنجش اثر بازدارنده مجازات مرگ و اجرای علنی آن سه روش استاندارد وجود دارد: اول اینکه ارتکاب جرایم مستوجب اعدام مانند قتل عمد در یک قانونگذاری خاص، قبل و بعد از لغو یا احیای اعدام ارزیابی شود؛ دوم اینکه نرخ جرایم مستوجب اعدام دو یا چند حوزه قانونگذاری مشابه که دست‌کم یکی از آنها اعدام را لغو کرده است، مقایسه شود؛ و سوم اینکه موارد ارتکاب جرایم مستوجب اعدام از جمله قتل عمد در یک حوزه قانونگذاری قبل و بعد از اجرای اعدام در انظار عمومی، ارزیابی شود. (Morris, Charles, Douglas, 1961: 40)

نتایج بعضی تحقیقات، تأثیر اجرای برخی مجازات سنگین همچون اعدام بر روند قتل‌ها و سرقت‌های مسلحانه را کاملاً معکوس نشان داده است. برای نمونه تحقیق انجام‌گرفته در نیجریه در سال ۱۹۸۷ هیچ الگوی پایداری را در زمینه میانگین تعداد اعدام‌های انجام‌گرفته و احتمال وقوع قتل یا سرقت مسلحانه نشان نمی‌دهد. در برخی دوره‌های زمانی افزایش اعدام‌ها همراه با افزایش جرایم و در برخی دوره‌های دیگر با کاهش آن همراه بوده است. علاوه بر این تعیین مرگ به‌عنوان مجازات سرقت مسلحانه در سال ۱۹۷۰ به افزایش این جرم نیز منجر شده و هیچ دلیلی برای دفاع از تأثیرات بازدارنده مجازات مرگ در این کشور ارائه نشد. (Adeyemi, 1978: 490)

نتایج تحقیق مشابه دیگری در سال ۱۹۹۳ در آمریکا در مورد تفاوت نرخ آدم‌کشی و سایر جرایم خشن بین ۲۹۳ بخش در اطراف مرز دو ایالت که مشمول دو قانونگذاری متفاوت در دو طرف مرز بودند نشان داد بود و نبود اعدام تأثیر عمده‌ای بر نرخ جرایم خشن نداشته و اگر هم تأثیری وجود داشته مثبت بوده است و نه منفی (Cheatwood, 1993: 165-181)؛ هرچند این تحقیقات شاخص‌های ارزشمندی را ارائه می‌کنند، نمی‌توان به استناد به آنها به لغو اعدام حکم داد، چراکه برخی از آنها وسیله‌ای برای کنترل متغیرهایی - غیر از میزان اعدام - که می‌توانند در طول زمان نوساناتی را در میزان جرم ایجاد کنند، دارا نبوده‌اند. به‌عبارت دیگر، در این تحقیقات امکان بررسی و ایجاد پیوند میان دامنه گسترده‌ای از عوامل اجتماعی و فاکتورهای اجرای قانون و رویه‌های کیفری که ممکن است بر میزان آدم‌کشی تأثیر بگذارد، وجود ندارد. البته تحقیقات دیگری با

استفاده از روش سطح مقطع^۱ به بررسی تغییرات در طول زمان پرداخته و سایر متغیرها را که ممکن است بر میزان آدم‌کشی تأثیر بگذارند، بررسی کرده‌اند. برای مثال تحقیقی که در سال ۱۹۸۰ در ۳۹ ایالت آمریکا در طول ۲۸ سال بین سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۶۲ به بررسی میزان آدم‌کشی پرداخته، تنها موفق به کشف رابطه منفی بسیار ضعیفی میان اعدام و قتل شده است. از جمله نتایج این تحقیق این است که شاخص‌های اجتماعی، جمعیتی و طول مدت حبس نسبت به اعدام عوامل تعیین‌کننده تری بر نرخ قتل محسوب می‌شوند (Cheatwood, 1980: 183-207). تحقیق دیگر انجام‌گرفته در زمینه تأثیر اعدام بر کنترل میزان قتل و به‌طور مشخص قتل‌های مستوجب اعدام، نکته‌ای در تأیید فرضیه بازدارندگی در برداشت و به این نتایج رسید که میزان قتل‌های مستحق اعدام از میزان تقریباً پایین ۲۲ درصد در سال ۱۹۷۵ به ۳۲ درصد در سال ۱۹۹۵ رسیده و در سال ۲۰۰۰ به ۲۸ درصد کاهش یافته و باز هم در سال ۲۰۰۴ به ۳۰ درصد رسیده است. در حالی که تعداد اعدام‌ها از ۲۱ مورد در سال ۱۹۸۴ به ۹۸ مورد در سال ۱۹۹۹ رسیده بود. (Jeffrey, Franklin, 2006: 1803-1868)

البته تحقیقات مشابه نشان داده‌اند که اعدام در انظار عمومی موقتاً شاید از ارتکاب قتل جلوگیری کند، اما این تأثیر در طولانی‌مدت وجود ندارد و در حقیقت تنها موجب به تعویق افتادن آن می‌شود. در تحقیقی در سال ۱۹۸۰ به تحلیل ۲۲ اعدام مشهور اجراشده در لندن براساس آرشیو روزنامه‌تایمز بین سال‌های ۱۸۵۸ تا ۱۹۲۱ و تأثیرات آن بر میزان هفتگی قتل پرداخته شد که تعداد قتل‌ها در هفته قبل از اعدام با تعداد قتل‌ها در هفته‌ای که اعدام انجام گرفته و هفته‌های بعد از آن مقایسه شد و نتایج نشان داد که اعدام هم در هفته اجرای آن و هم در هفته‌های بعدی نقش برجسته‌ای در کاهش تعداد قتل‌ها داشته، اما بعد از آن این کاهش از بین رفته و جای خود را به افزایش برجسته‌ای در هفته‌های بعد داده است. (Philips, 1980: 139)

فرض بازدارندگی را شاید بتوان مهم‌ترین دلیل معتقدان به مجازات شدید و به‌خصوص موافقان اجرای علنی آنها به حساب آورد. فرض این است که ترس از احتمال مجازات، هنوز هم می‌تواند تأثیرگذار باشد و مانع قرار گرفتن افراد در شرایطی شود که کنترل خود را از دست بدهند (Ehrlich, 1982: 124)؛ در مقابل حامیان لغو مجازات شدید و اجرای علنی آنها اغلب بحث بازدارندگی را بر این اساس رد می‌کنند که بیشتر جرایم شدید مانند قتل ممکن است محصول محاسبه‌گری صرف نبوده و نتیجه دخیل بودن احساسات بسیار قوی باشد؛ در برخی تحقیقات مرتکبان جرایم مستوجب اعدام معمولاً افرادی فاقد تحصیلات و از گروه‌های فقیر نامتجانس اجتماعی بوده و جرایم آنها نمادی ابلهانه یا احمقانه از ناراحتی یا ترس بوده است (Bowers, Pierce, McDevitte, 1984: 273)؛ در

1. cross-sectional

نتیجه می‌توان گفت ترس از اعدام مانع ارتکاب جرم توسط افرادی نخواهد شد که قصد ارتکاب جرایمی همچون قتل را دارند؛ چراکه ارتکاب این نوع جرایم معمولاً ناشی از انفجار خشم یا از دست دادن کنترل فرد در اثر وجود بیماری‌های روانی یا نواقص شخصیتی یا ترس ناشی از شرایطی است که شخص با خطر بازداشت قریب‌الوقوع روبه‌رو باشد. در واقع تعداد کم افراد سازگار از نظر روانی در میان قاتلان، اثبات می‌کند که تنها افراد سالم احتمالات عقلایی را محاسبه کرده و از ترس گرفتار شدن به مجازات مرگ عقب‌نشینی می‌کنند (Shepherd, 2005: 273). از طرف دیگر، اگر ترس موجب شود تعداد زیادی از افراد از خشونت‌هایی که به مرگ منجر می‌شود دوری کنند، پس باید انتظار داشت تا این امر همچنین مانع ورود آنها به خشونت‌هایی شود که به‌طور بالقوه احتمال دارند با مرگ کسی خاتمه یابند. یافته‌ها در اینجا بر خلاف چنین منطقی‌اند. برای نمونه یکی از محققان بیان می‌کند نرخ اعدام ارتباط آماری مهمی با نرخ کلی جرایم خشن ندارد و این به معنای خنثی بودن تأثیرات اعدام بر نرخ جرم است.

در بررسی و تحقیقات همواره این سؤال مطرح است که آیا روش‌های آماری و مدل‌های مناسب برای تخمین بازدارندگی استفاده شده است؟ برخی پژوهشگران کیفری معتقدند که شواهد موجود در تأیید بازدارندگی مجازات به شدت ضعیف‌اند و تأثیرات تخمین‌زده‌شده اعدام‌هایی که به‌صورت علنی برگزار می‌شود یا به آگاهی همه می‌رسد، بر نرخ آدم‌کشی با تغییرات کوچکی در مشخصات الگوی اقتصادسنجی تا حد زیادی نوسان پیدا می‌کند. با جمع‌بندی همه تخمین‌ها حتی زمانی که ادله محکم‌تری هم در دست باشد، باز هم کاملاً مشخص نیست که آیا مجازات مرگ به افزایش قتل منجر شده یا کاهش آن و حتی تغییرات کوچک در خصوصیات تفسیر داده‌ها به ایجاد نتایج بسیار متفاوتی حتی در تحقیقاتی منجر شده که از متغیرهای کمتری استفاده کرده‌اند. از این‌رو چنین اقداماتی را آتش‌بازی‌های آماری نامیده‌اند که به قربانی کردن عقلانیت در قربانگاه پیچیدگی‌های آماری منجر شده است (Donohue, Wolfers, 2004: 794).

نکته دیگر در این نوع تحقیقات، تأثیر و اندازه‌گیری دیگر عوامل مرتبط و مؤثر بر قتل و نرخ اعدام و آگاهی عمومی از آن است. ارزیابی سایر عواملی که ممکن است بر میزان قتل نفس تأثیر بگذارند مشکل است، چراکه همه آنها معلول عوامل اجتماعی و فرهنگی کلی‌تری مانند مهاجرت، کارامدی کنترل‌کننده‌های اجتماعی غیررسمی، میزان استفاده از الکل، میزان دسترسی، مصرف و قیمت مواد مخدر، درجه همبستگی همگانی و وجود خرده‌فرهنگی از خشونت یا سایر اشکال غیرخشن کاهش ناامیدی هستند. بی‌شک علم تأثیر این عوامل بر میزان رابطه قتل و نرخ اعدام بسیار سخت و چه بسا غیرممکن می‌نماید؛ چه رابطه، منفی و چه مثبت باشد.

مجموعه این مسائل سبب شده تا پژوهشگران رابطه میان مجازات مرگ و آمار وقوع برخی جرایم همچون قتل را از اساس در معرض تردید قرار دهند؛ در سال ۱۹۷۸ هیأت تشکیل‌شده

توسط آکادمی ملی علوم آمریکا به این نتیجه رسید که هر گونه استفاده از شواهد علمی در سیاستگذاری در مورد اعدام - به خصوص اجرای علنی آنها - نیازمند مستندات بسیار قوی است؛ تحقیقات غیر تجربی که مطالعه تأثیرات بازدارنده اعدام لزوماً محدود به آنهاست، تقریباً به طور قطع قادر نخواهد بود که این استانداردها را ایجاد کنند. (Blumstein, Cohen, Nagin, 1978: 63)

پژوهشی در سال ۲۰۰۵ پس از بررسی پیچیده ترین تحقیقات آماری به این نتیجه رسید که تنها نتیجه گیری علمی و اخلاقی قابل قبول از مجموعه ساختار ادبیات علوم اجتماعی موجود در مورد بازدارندگی مجازات مرگ این است که اثبات قوت یا ضعف بازدارندگی یا حتی اصلاً وجود این تأثیرات بسیار مشکل و حتی غیرممکن است (Fagan, Zimmering, Geller, 2006: 315). از طرف دیگر اجرای مجازات مرگ و به صورت خاص اجرای علنی آن می تواند هزینه هایی مانند کاهش تأثیر مجازات سخت، اشتباهات دادرسی در صدور مجازات مرگ، تأثیرات خاص و عام بر جامعه یا خانواده مجرم را در پی داشته باشد. اعمال چنین مجازات هایی به خصوص در اجرای علنی باید با توجیه تأثیرات بازدارندگی عام همراه باشد.

مغایرت اجرای علنی مجازات ها با اهداف اصلاح و بازپروری، مغایرت با علت شناسی و آسیب شناسی رفتاری، بی تأثیری اجرای علنی در مورد نسبت به بزهکاران حرفه ای یا به عادت و بزهکاران هیجانی، افزایش حس انتقام جویی و شقاوت، موقت بودن اثربخشی، ایجاد تعارض بین نقش بازدارندگی و اصلاح، اثربخشی کاملاً متفاوت بر ناظران، همسان نگری به همه افراد جامعه با رویکرد تهدید و ارعاب، موجب شده تا سیاست جنایی ایران در قبال کیفیت اجرای مجازات، واجد خصیصه ابهام، سرگردانی، ناکارآمدی و فاقد برنامه ریزی دقیق و آینده نگری موجه و قابل قبول باشد (نجفی توانا، میلی، ۱۳۹۲: ۵۱۴).

نتیجه گیری

از جمله لوازم وضع و اجرای مقررات کیفری بر پایه مبانی دینی، توجه به غایات و مقاصد مورد نظر شارع و روح کلی حاکم بر شریعت است؛ و گرنه نه تنها نمی توان به تحقق اهداف اولیه شارع و تجلی اوصاف عمومی شریعت امیدوار بود، بلکه باید انتظار داشت که جامعه دینی با خطر شکست سیاست های جنایی دینی مواجه شود. از نمودهای بارز و مهم این نوع سیاست ها اجرای علنی مجازات هاست. در این زمینه پرهیز از خلط فلسفه مجازات در اسلام با اهداف حکومتی، نهادی و سازمانی در نحوه اجرای مجازات از ضروریات اولیه است. یکی از بنیادهای فقه اسلامی آن است که احکام فقهی معطوف به جلب مصالح و دفع مفسداتند. مصالح و مفسداتی که ممکن است با تغییر زمان تغییر کرده و با اختلاف مکلفان مختلف شوند؛ یعنی ممکن است حکم خاصی در زمان معین

یا برای گروهی از مردم دارای مصلحت باشد و به انجام آن امر شود و در زمان دیگر یا برای گروهی دیگر دارای مفسده باشد و از انجام آن نهی شود (علامه حلی، ۱۳۷۴: ۲۸۲).

آنچه از نص قرآنی و نظریات فقهی و تفسیری دریافت می‌شود، محدود به اجرای علنی مجازات جرم زناست که آن هم ناظر بر تأمین مصالحی چون بازدارندگی و تأکید بر قطعیت اجرای احکام شرعی بوده و در عصر خود کارساز بوده است. ولی امروزه اجرای علنی مجازات به‌طور کلی و مجازات‌های بدنی به‌طور خاص، با اصل اولی اجرای غیرعلنی مجازات و قواعد مهمی مثل وجوب حفظ حیثیت افراد، ممنوعیت مجازات مضاعف، حرمت تنفیر و حرمت وهن دین ممکن است در تعارض باشد. مصالح نهفته در اصول و قواعد اخیرالذکر منطقاً باید مقدم بر مصالح مورد نظر در اجرای علنی باشند.

از طرف دیگر اگرچه بازدارندگی با تعریف «خنثی شدن انگیزه مجرمانه و لذت حاصل از ارتکاب جرم در اثر تغییر در اندیشه و بیم از پیامدهای رفتار مجرمانه» (پردال، ۱۳۸۱: ۱۱۶) یکی از مهم‌ترین اهداف مجازات و اجرای علنی آنها اعلام شده است، باید به این نکته اساسی توجه داشت که این فرضیه نه در همه جرایم بلکه تنها در جرایم مبتنی بر حسابگری اقتصادی مجرم، قابل تأیید بوده و کارایی آن مستلزم وجود عناصری چون شدت، حتمیت و سرعت اجرای مجازات مبتنی است. این در حالی است که این سه عنصر در کشور ما با محدودیت‌های بسیاری مواجه است. ناکارآمدی مقابله کیفری با جرایمی همچون جرایم مرتبط با مواد مخدر، ضرب و جرح، قتل و جرایم خشن و هیجانی، ضعف نظری و عملی این فرضیه را نمایان کرده است.

از آنجا که اجرای علنی مجازات براساس اسلوب و قواعد مشخص و سنجش‌پذیر بنا نشده است، به‌نظر می‌رسد که عملاً به بازدارندگی و کنترل جرایم منجر نشده است. شاید از همین روست که نشانه‌هایی از سزاگرایی، ابزارگرایی و عوام‌گرایی کیفری در آن قابل مشاهده است.

مهم‌تر از اجرای علنی، تکیه بر معیارهای کیفردهی، مدرج کردن مجازات و نحوه اجرای آنها بر پایه اصول و مبانی علمی و تجربی است. بازنگری مجدد در نحوه تلقی و برداشت از مبانی و مستندات شرعی و روایی اجرای علنی مجازات و بازاندیشی در فلسفه و اهداف مجازات از طریق مطالعات نظری و ارزیابی‌های مستمر عملی و اجتناب از سیاست‌های شتابزده سزاگرایانه، ابزارگرایانه و عوام‌گرایانه در این زمینه بسیار ضروری است. قانون آیین دادرسی کیفری جدید در ماده ۴۹۹ بر مبانی همین ملاحظات، ممنوعیت اجرای علنی مجازات را اصل و خلاف آن را استثنا و مستلزم وجود الزامات قانونی و مصلحت‌سنجی‌های قضایی کرده است.

نتایج برخی مطالعات و ارزیابی‌های خارجی هم نشان می‌دهد که مجازات شدید و اجرای علنی آنها تأثیر روشنی در بازدارندگی مؤثر از ارتکاب جرم نداشته است. عواملی همچون عدم محاسبه‌گری مجرمان به‌خصوص در مجرمان حرفه‌ای، هیجانی، به‌عادت یا مجرمان مواد مخدر،

دخالت عوامل گسترده شخصیتی همچون بیماری‌های روانی و خانوادگی و همچنین وجود عوامل خرد و کلان اجتماعی و اقتصادی و عایدات شایان توجه مادی برخی جرایم موجب می‌شود تا اجرای علنی مجازات تأثیرات پیش‌بینی‌شده را نداشته باشد. اگرچه محققان دیگری در تأثیر یا عدم تأثیر مجازات شدید و علنی تردید کرده‌اند. لیکن همین تردید هم می‌تواند یکی از موجهات تردید و احتیاط در اجرای علنی مجازات باشد.

منابع

الف) فارسی

۱. ابوالحسنی، رحیم (۱۳۸۰)، *اجرای علنی مجازات‌ها از دیدگاه حقوق اسلام*، مجله رواق اندیشه، ش ۶.
۲. الاصفهانی (فاضل هندی)، بهاء‌الدین محمد بن الحسن الأصفهانی (۱۴۰۵ق)، *كشف اللثام*، قم، مکتبه آیة الله العظمی المرعشی النجفی.
۳. اکبری، حسین (۱۳۷۹)، *مطالعه نظری - عملی کیفر مرگ در حقوق مواد مخدر*، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، جلد، چاپ اول ۱، تهران، انتشارات روزنامه رسمی.
۴. باختر، احمد (۱۳۸۷)، *اجرای احکام کیفری در آیینة قوانین و رویه قضایی*، انتشارات جنگل، جاودانه، تهران.
۵. بیضاوی، ناصرالدین (۱۴۳۴ق)، *انوار التنزیل*، بیروت، دارالمعرفه.
۶. پرودل، ژان (۱۳۸۱)، *تاریخ اندیشه‌های کیفری*، ترجمه علی حسین، نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران، سمت.
۷. حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ رحمانیان، حامد (۱۳۹۳)، *انبارگرای کیفری: قلمرو، مفهوم، شاخص، پژوهش حقوق کیفری*، سال دوم، ش ۵، تهران.
۸. حرّ عاملی، محمدبن حسن بن علی بن حسین (۱۴۱۴ق)، *وسایل الشیعه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۹. حلی (ابن ادریس)، محمدبن منصور بن احمد بن ادریس (۱۴۱۱ق)، *السرائر*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۰. حلی (علامه حلی)، حسن بن یوسف (۱۴۱۶ق)، *كشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۱. ----- (۱۴۱۸ق)، *مختلف الشیعه*، مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی.
۱۲. حلی (محقق حلی)، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن الحسن (۱۳۱۸ق)، *مختصر النافع*، سلسله الینابیع الفقهیه.
۱۳. خمینی، روح‌الله (۱۴۲۱ق)، *تحریر الوسیله*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۴. خوبی، ابوالقاسم الموسوی (۱۴۲۲ق)، *تکمله المنهاج*، عراق، نشر الجامعه بغداد.
۱۵. رابرتز، جولیان وی؛ استالانز، لورتاجی؛ ایندرمار، دیوید؛ هاف، مایک (۱۳۹۲)، *عوام‌گرایی کیفری و افکار عمومی*، درس‌هایی از پنج کشور، ترجمه زینب باقری‌نژاد، سودابه رضوانی، هانیه هژبر الساداتی، مهدی کاظمی جویباری، تهران، میزان.
۱۶. زمخشری، جارالله (۱۴۰۸ق)، *الکشاف*، بیروت، دارالکتاب العربی.
۱۷. السیوری (فاضل مقداد)، جمال‌الدین مقداد بن عبدالله (۱۳۷۳ق)، *کنز‌العرفان*، تهران، المکتبه المرتضویه.
۱۸. طوسی (شیخ طوسی)، محمد بن حسن بن علی (۱۴۱۶ق)، *التهذیب*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۹. ----- (۱۴۱۸ق)، *الخلاص*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۰. فراء، حسین بن مسعود بن محمد بن الفراء (۱۴۱۸ق)، *التهذیب فی فقه الامام الشافعی*، بیروت، دارالکتب العلمیه.

۲۱. کلینی (شیخ کلینی)، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵)، اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. مالکی، احمدبن محمد الصاوی (۱۳۹۸ق)، بلغه السالک لاقرب المسالک الی مذهب الامام مالک، مکه مکرمه، دار معرفه للطباعة و النشر.
۲۳. مدنی قهفرخی، سعید (۱۳۹۰)، اعتیاد در ایران، چاپ اول، تهران، نشر ثالث.
۲۴. مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، اسلام و مقتضیات زمان، قم، صدرا.
۲۵. مقدسی، محمدباقر؛ فرجیها، محمد (۱۳۹۰)، رویکرد عوام‌گرایی کیفری به جرایم جنسی (مطالعه تطبیقی)، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی دانشگاه تربیت مدرس، دوره ۵، شماره ۲، تهران.
۲۶. نجفی توانا، علی، میلکی، ایوب (۱۳۹۲)، بایدها و نبایدهای اجرای علنی کیفر، بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری (مجموعه مقالات)، تهران، نشر میزان.
۲۷. نوبهار، رحیم (۱۳۸۴)، بررسی قاعده فقهی حرمت تنفیر از دین، مجله تحقیقات حقوقی، پاییز و زمستان، تهران.
۲۸. نوفرستی، غلامرضا (۱۳۸۳)، اجرای مجازات در ملأعام، مجله دانش پژوهان، شماره ۵، تهران.

ب) انگلیسی

29. A, Adeyemi (1978), Death Penalty: Criminological perspectives, the Nigerian Situation.
30. Blumstein, A, Cohen, J, Nagin, D, (1978) (eds), Deterrence and Capacitation: Estimating the effect of Criminal Sanction on Crime Rate, Washington D.C, National Academy of Science.
31. D. Cheatwood (1993), Capital Punishment and the Deterrence of Violent Crime in Comparable Counties' Criminal Justice Review 18 (2).
32. David P, Philips (1980), The Deterrence Effect of Capital Punishment: New Evidence on An Old Controversy, American Journal of Sociology, No 86.
33. Donohue, J. J, Wolfers, J.(2004), The Death Penalty: No Evidence for Deterrence, Economic Voice.
34. Fagan, Jeffrey, Zimring, Franklin, Geller, Amanda (2006), Capital Homicide and Capital Punishment: A Market Share Theory of Deterrence, Texas Law Review.
35. Fagan, Jeffrey, Zimring, Franklin, Geller, Amanda (2006), Capital Homicide and Capital Punishment: A Market Share Theory of Deterrence, Texas Law Review.
36. Issac, Ehrlich. (1982), On Positive Methodology, Ethics and Polemics in Deterrence Research, British Journal of Criminology, No 22.
37. Morris, Norval, Marson, Charles C; Fuson, Douglas F (1967), Capital punishment: developments, 1961-1965; New York, United Nations.
38. Peterson, R, D, Bailey, W. C, Is the Capital Punishment an Effective Deterrence for Murder? An Examination of Social Science Research.
39. Pratt, J.(2000), Sex Crimes and the New Punitiveness, Behavioral Sciences and the Law, Vol. 18, pp 135-151.
40. R, J, Acker, R, M, Bohm, C, S, Lanier (eds) (1998), America' Experiment with Capital Punishment.
41. Shepherd, J, M, Deterrence Versus Brutalization (2005), Capital Punishment 's Differing Impact among States; Michigan Law Review, No 104.
42. Simon, J. (2000), Megan's Law: Crime and Democracy in Late Modern America, Law and Social Inquiry, Vol 25 (4).
43. Van Den Haag, E; Justice Deterrence and the death Penalty, I J, R, Acker, R. M. Bohm, C. S, Lanier (eds) (2003), American's Experiment with Capital Punishment.
44. William, Bailey (1980), A MultiVariate Cross-Sectional Analysis of the Deterrent Effect of the Death penalty, Sociology and Social Research 64.
45. William J. Bowers, G. L, Pierce, J. F, McDevitte (1984), legal Homicide: Death as Punishment in America (1864- 1982).